

بررسی پیامدهای اقتصادی حملات سه گانه امیر تیمور گورکانی به ایران

۱- علی سرحدی دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه میبد، ایران

a.sarhadi@yahoo.com

۲- جعفر نوری دانشیار گروه ایرانشناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه میبد، ایران (نویسنده مسئول)

j.nouri@meybod.ac.ir

۳- شهناز حجتی نجف آبادی استادیار گروه ایرانشناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه میبد، ایران

hojati@meybod.ac.ir

چکیده:

جنگ‌ها و تهاجمات نظامی همواره آثار و پیامدهای منفی به همراه دارند. از جمله حوزه‌های که از جنگ تاثیر مستقیم می‌پذیرد، حوزه اقتصاد است. در واقع جنگ‌ها و تهاجمات نظامی اولین تاثیر خود را روی تولید و اشتغال می‌گذارند. با تخریب زیرساخت‌ها و کاهش تولید تاثیر منفی بر اقتصاد می‌گذارند. حملات سه گانه تیمور لنگ به ایران، شامل یورش سه ساله ۷۸۸ تا ۷۹۰ ه ق، یورش پنج ساله ۷۹۴ تا ۷۹۹ ه ق و یورش هفت ساله ۸۰۱ تا ۸۰۷ ه ق، نیز از جمله تهاجماتی بود که پیامدهای زیانباری در حوزه اقتصادی برای جامعه ایرانی به همراه داشت. بر این اساس بررسی پیامدهای حملات تیمور در زمینه اقتصادی در ایران، مساله اصلی این پژوهش است. یافته‌های پژوهش حاضر که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است، نشان می‌دهد، که کشت و کشتار و از میان رفتن نیروی انسانی، کاهش تولیدات و بروز قحط و غلا، تخریب شهرها، اجرای سیاستهای مالیاتی جدید و سختگیرانه به نفع حکومت و در نهایت رکود اقتصاد کشاورز محور به علت صدمات وارد بر محیط زیست، از مهمترین پیامدهای حملات تیمور در حوزه های اقتصادی در ایران است.

کلید واژه: تیمور لنگ، حملات سه گانه، پیامدهای اقتصادی، کشاورزی، بازرگانی، ایران.

۱. مقدمه

بعد از مرگ آخرین ایلخان، ابوسعید بهادر خان (۷۱۶-۷۳۶ ه.ق)، جامعه ایرانی با هرج و مرج و بحران‌های جانشینی روبه رو شد. امیران، وزیران و سرمداران قدرت در گوشه و کنار ایران اعلام استقلال کردند. در نتیجه این چنین شرایطی بود که ایران زمین بین قدرت‌های مختلف تقسیم شد. در همین دوران چندپارگی سیاسی در داخل خاک ایران و کشمکش‌های بین قدرت‌ها بود که در ماوراءالنهر، در خطه کش سمرقند، تیمور گورکان از قبیله برلاس با تکیه بر توانایی‌های فردی خود قدرت گرفت. تیمور بعد از فتح مناطق مختلف ماوراءالنهر نوک پیکان توسعه طلبی خود را متوجه نواحی داخلی ایران کرد. وی با سه حمله شامل یورش سه ساله ۷۸۸ تا ۷۹۰ ه.ق، یورش پنج ساله ۷۹۴ تا ۷۹۹ ه.ق و یورش هفت ساله ۸۰۱ تا ۸۰۷ ه.ق موفق به فتح مناطق مرکز و غربی ایران شد. هر چند این یورش سه گانه با حذف حکومت‌های محلی وحدت سیاسی و امنیت را در داخل خاک ایران ایجاد کرد. اما تبعات زیانباری در حوزه‌های مختلف علی‌الخصوص حوزه اقتصادی بر جای گذاشت.

درباره تأثیرات منفی اقتصادی حملات سه گانه تیمور به ایران، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بیشتر به صورت اختصار به حملات و ابعاد سیاسی و مذهبی آنها پرداخته‌اند. در بین پژوهش‌های نزدیک به پژوهش حاضر می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود؛ کتاب بررسی تحولات تاریخ ایران در دوران تیموریان و ترکمانان آق قویونلو و قراقویونلو (میرجعفری، ۱۳۸۰) که به بررسی تحولات تاریخ ایران در دوران تیموریان و ترکمانان آق قویونلو و قراقویونلو اختصاص یافته است و به صورت مختصر به توصیف حملات سه گانه تیمور به ایران پرداخته است. مقاله «پژوهشی درباره قیام مردم اصفهان در سال ۷۸۹ ه.ق» (فرخی، ۱۳۸۹) که به بررسی واکنش مردم اصفهان نسبت به حمله تیمور پرداخته و تا حدودی پیامدهای سیاسی حمله تیمور در اصفهان را بررسی نموده است. بررسی اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هنری در دوره تیموریان (فهیم، ۱۳۸۳)

عنوان پایاننامه ایست که تمرکز اصلی نویسندگان بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و هنری شهر سمرقند بوده است. اما نوشتار حاضر با روش توصیفی تحلیلی و بر اساس داده های منابع دست اول بر آن است تا پاسخی مناسب برای این پرسش بیابد که تأثیرات اقتصادی حملات سه گانه تیمور بر ایران چه بوده است؟

۲. یورش های سه گانه تیمور به ایران

اولین تهاجم تیمور گورکان به ایران با عنوان یورش سه ساله شناخته می شود که در بازه زمانی ۷۸۸ تا ۷۹۰ ه.ق اتفاق افتاد. شرف الدین علی یزدی، مورخ قرن هشتم و نهم هجری در کتاب خویش با عنوان، *ظفرنامه شامی*، یورش سه ساله تیمور به ایران را معلول اقدامات توقتمیش حاکم دشت قبیچاق می داند. او می نویسد: «جایی که پادشاه توقتمیش بر حرکتی ناشایست اقدام نموده لشکری گران قریب نه تومان اکثر ایشان کفار فجّار نامزد تبریز کرد در فصل زمستان به تبریز رسیدند و حوالی تبریز را فرو گرفتند» (شامی، ۱۳۶۳: ۹۷) تیمور برای دفع این حمله به فیروزکوه رفت و سید کمال الدین، والی ساری پسر خود سید غیاث الدین را با لشکری به درگاه تیمور فرستاد تا در سلک دیگر ملازمان تیمور باشد (همان: ۵۶۰).

تیمور در ادامه به مقابله با ملک عزّ الدین والی مملکت لر کوچک که قافله حجاج را غارت کرده بودند، شتافت و توانست آن ها را به سزای اعمال خود برساند. تیمور بروجرد را غارت کرد و حصار خرم آباد را ویران ساخت (میرخواند، ۱۳۷۳: ۱۰۴۴/۶). تیمور بعد از تنبیه حاکم لر کوچک تبریز را تسخیر کرد. (یزدی، ۱۳۸۷: ۵۶۲/۱) او بعد از فتح تبریز به سمت نخجوان روانه شد و توانست در این مناطق تمام قلاع را تصرف کند. تیمور پس از فتح در سرزمین های شمالی و شمال غربی فرستاده ای به سمت سلطان زین العابدین حاکم شیراز فرستاد و درخواست اعلام اطاعت و پیروی را داشت اما ایلچی را بازداشت (سمرقندی، ۱۳۷۲: ۵۹۵/۱). زین العابدین همانند پدرش شاه شجاع مطیع نشد و همین امر موجبات حمله تیمور به اصفهان و سپس شیراز را فراهم آورد. تیمور از راه همدان و گلپایگان به سوی اصفهان رفت. تیمور در اصفهان با شورش علی کچه پا روبه رو شد که نزدیک به سه هزار نفر از

افراد تیمور کشته در این شورش کشته شدند. (یزدی، ۱۳۸۷: ۵۸۷/۱). تیمور با شنیدن این خبر دستور قتل عام اصفهانیان را صادر کرد. (شامی، ۱۳۶۳: ۱۰۵). تیمور پس از این کشتار وحشیانه به شیراز لشکر کشید و شاه منصور زین العابدین را گرفته و حبس نمود. (سمرقندی، ۱۳۷۲: ۵۹۷/۱). به دنبال بازگشت تیمور به سمرقند برای سرکوبی توقتمش خان یورش سه سال پایان یافت.

تیمور پس از سر و سامان دادن به سمرقند و شکست توقتمش خان بار دیگر به ایران حمله کرد (شامی، ۱۳۶۳: ۱۲۵). او در طی این حمله که به یورش پنج ساله معروف است، و از سال ۷۹۴ ه. ق شروع شد، به مانند یورش سه ساله ابتدا به مناطق شمالی رفت و از طریق ایبورد، خبوشان (قوچان) و از حاشیه رود گرگان وارد استرabad شد (معطوفی، ۱۳۸۷: ۲۹۱). پس از استرabad تیمور عزم آمل و قلعه ماهانه سر شد. و پس از فتح قلعه ماهانه سر و شکست سادات حاضر در قلعه، از مازندران به سوی دامغان و سمنان و ری رفت. تیمور در ادامه به کردستان و قلعه سنقور رسید و غلات این مناطق را غارت کرد. (شامی، ۱۳۶۳: ۱۳۰). تیمور در ادامه برای مقابله با شاه منصور مظفری به سوی شیراز لشکر کشی کرد. در طی این جنگ امیرزاده شاهرخ فرزند تیمور، شاه منصور را کشت. (یزدی، ۱۳۸۷: ۷۱۶/۷۱۵/۱) تیمور سپس امیرزاده عمر شیخ را به حکومت شیراز منصوب کرد. (سمرقندی، ۱۳۷۲: ۶۷۰/۱).

تیمور بعد از حذف مظفریان با سپاهیان خود عازم آذربایجان و ری و دربند باکو و شروانات شد. بعد از این فتوحات، توانست بغداد را فتح کند. تیمور امیرزاده محمد سلطان را به ضبط فارس و خوزستان مأمور ساخت و امیرزاده عازم هرموز شد و امیرزاده رستم را نیز از راه لرستان به ولایت مکران فرستاد که به اتفاق امیر ایدکو برلاس و لشکرهای کرمان تاخت کیچ و مکران کنند (سمرقندی، ۱۳۷۲: ۷۲۹م۷۲۸/۱) و ولایات آنجا را تسخیر کرد. تیمور سرانجام عازم سمرقند شد و یورش پنج ساله پایان یافت.

تیمور در سال ۸۰۱ ه. ق و به دنبال وصول اخباری مبنی بر آشفتگی آذربایجان و هجوم گرجی ها و ارمنی ها به این مناطق و همچنین مشکلات روحی و روانی میرانشاه پسرش و اقدامات خلاف عقل او بار دیگر حملات خود به خاک ایران را از سر گرفت. (شامی، ۱۳۶۳: ۲۱۲-یزدی، ۱۳۸۷: ۹۹۱/۲) تیمور با حضور دوباره در ایران فرمانی مبنی بر مجازات ملازمان میرانشاه صادر کرد. (یزدی، ۱۳۸۷: ۱۰۰۰/۲) تیمور پس از آن ملک آذربایجان را به پسر میرانشاه، امیرزاده ابوبکر تفویض فرمود (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۳۳۱) با خیالی آسوده به سمت گرجستان رفت. امیر تیمور

پس از تاخت و تازها در گرجستان، قلعه سیواس را به تصرف درآورد و پس از این موفقیت متوجه جنوب سوریه گردید. (قزوینی، ۱۳۸۶: ۲۱۸) تیمور در حدود انگوریه^۱ با سلطان ایلدرم بایزید، پادشاه روم، جنگ مهمی نمود و پیروز شد و لشکر جغتای بر تمام بلاد روم مستولی شدند. (همان: ۲۱۸) تیمور سرانجام به سمرقند بازگشت و برای فتح چین آماده شد. اما تیمور در این مسیر احساس بیماری نمود. وی در هفدهم شعبان ۸۰۷ ه. به حیات پرماجرایی خود پایان داد (راوندی، ۱۳۵۴: ۳۵۸/۲)

۳. پیامدهای اقتصادی حملات سه گانه تیمور

۳-۱. از بین رفتن نیروی کار

تیمور فرمانروایی بسیار سفاک بود و در نبردهای خود خشونت زیادی به خرج می داد. (گروسه، ۱۳۶۵: ۶۷۹) برپایه همین سفاکی بود که کشتار و قتل عام تا حدی که منجر به نقصان جمعیت شود، یکی از ابزارهای سیاسی و نظامی او برای پیش برد اهدافش بود. بدین ترتیب در نبردهای او تعداد زیادی از نیروی کار و تولید کشته می شدند. تیمور در جریان سرکوبی قیام مردم سبزواری در سال ۷۸۵ ق/۱۳۸۳ م به رهبری شیخ داوود سبزواری، فرمان داد، نزدیک به دوهزار تن از قیام کنندگان را لای دیوار برج یا مناری گذاشته و زنده به گور کنند (میرخواند، ۱۳۷۳: ۱۰۴۱/۶) و سبزواری را که مرکزیتی اقتصادی کشاورزی بود را خالی از جمعیت کرد. کشت و کشتار تیمور و از بین بردن نیروی انسانی محدود به سبزواری نبود بنا بر روایت شامی تیمور در سیستان نیز مردم را قتل عام کرد. «خلق انبوه از سیستانیان^۲ بقتل آمدند و بقیه را دوانیده بحصار رسانیدند و از سرهای بریده سارها و گل تودها^۳ ساختند» (شامی، ۱۳۶۳: ۹۲) کلاویخو نیز قتل عام تیمور را به تصویر کشیده و می نویسد «در بیرون دامغان به فاصله

۱- انگوریه. [آری یَ] [اِخ] یا (انقره یا آنکورا) آنکارا پایتخت فعلی ترکیه گفته می شود. در کتیبه های سلجوقی و بر سکه های ضرب شده در آنکارا نام این شهر همه جا آنکارا، در تاریخ ابن بی بی انکوریه و انگوریه (ص ۵، ۴۴، ۴۷، ۲۱۲، ۲۱۴ و ۳۳۲) و در آثار عصر ایلخانان، انگوریه ثبت شده است.

۲- منظور زابل یا همان زابلستان است.

۳- سارها به معنی مناره ها و گل تودها نیز معنی تپه ساختن و بر هم انباشتن تپه وار است.

یک تیر پرتاب، دو برج دیدیم که بلندی آن ها بقدر یک سنگ پرتاب بود. هر دوی آنها با استخوان سر انسان ساخته شده بود.» (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۱۸۱)،

اوج این کشتارها و ساخت کله مناره ها در شهر اصفهان روی داد تا جایی که به قول شامی «حکم نافذ شد تا هفتاد هزار عدد سر آدمی بظاهر اصفهان جمع کردند نمونه روز رستاخیز در آن شهر ظاهر شد.» (شامی، ۱۳۶۳: ۱۰۵) نظنزی می نویسد «در تمامت ظاهر و باطن شهر قریب هزار منار سر بریده مرتفع شد.» (نظنزی، ۱۳۳۶: ۳۳۶) یزدی نیز اوضاع اسفناک و میزان قتل عام تیمور و سپاهیان در اصفهان به تصویر کشیده و می نویسد «اوضاع چنان به وخامت رفت که دیگر سر آدمی ارزش نداشت به نحوی که بعضی لشکریان نمی خواستند به دست خود مباشر قتل شوند سر از یاساقیان^۴ می خریدند و می سپردند، و در اوایل حال سری به بیست دینار کپکی^۵ بود، و در اواخر که هر کس حصه خود سپرده بودند، یک سر به نیم دینار آمده بود و کس نمی خرید، و همچنان هر که را می یافتند می کشتند. (یزدی، ۱۳۸۷: ۵۸۸/۱)»

در واقع تیمور با این کشتارها، هر آن چه از نیروی کار که بنیان اصلی اقتصاد بر آن استوار بود را به دیار نیستی فرستاد و بحران اقتصادی زیانباری را به ایرانیان تحمیل کرد. اکثر شهرهای ایران در طی یورش های تیمور با شمار تلفات بالا فتح شدند. شهر دیگر طوس بود که بنا بر روایت حافظ ابرو «در آن هم حکم شد که هر لشکری باید سری بیاورد تا بر دروازه ها منار سازند و قتل بسیار و هلاک بسیار در آن حکم واقع شد.» (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۷۱۱/۲) دوازده هزار از مردم طوس قتل عام شدند. (خوافی، ۱۳۳۹: ۱۳۰) شهر یزد نیز بی نصیب نماند. بنا بر روایت کاتب «در طی محاصره چهار ماهه قریب سی هزار آدمی بمردند و بر سر راه ها و کوچه ها افتاده بودند و همه خرابه ها از مردگان پر کردند و گند شهر به بیرون می رسید.» (کاتب، ۱۳۵۷: ۹۰)

تیمور در آمل نیز کشتار فجیع به راه انداخت. (زرین کوب، ۱۳۴۸: ۵۹۷) حضور تیمور و لشکرش در خوزستان، کردستان، تبریز، مکران، هرمز و سرتاسر مکان هایی که رفت، بدون کشتار نبود. به جز گیلان و شیراز که با قبول مال امانی جان سالم به در بردند و گر نه هر جا حضور یافت به دنبال موکب خود جوی خون جاری کرد. (همان، ۵۹۳)

۴ - در منابع در کنار کلمه جار آمده و به معنی آن چه از قرامین شاه که باید به گوش مردم برسد. به معنی جارچیان (نظنزی، ۱۳۳۶: ص ۲۹۲)

۵ - نوعی دینار و تومان که در عهد مغول و تیموریان و صفویان متداول بود. (فرهنگ فارسی معین).

افرادی که قتل عام شدند، کسانی بودند که چرخه اقتصادی یمنای مختلف مملکت را به حرکت در آورده بودند. همین افراد بودند که در کارگاه ها، بازارها، دکان ها و زمین های کشاورزی و دامداری مشغول به فعالیت بودند. اما هم اکنون سر آن ها مصالح ساخت کله مناره هایی شد که گوش عالمیان با شنیدن این اقدامات شنیع خراش می یافت. شمار دیگری از نیروی های کار مجروح و از کار افتاده شدند و دیگر توان کار کردن را نداشتند و یا به اجبار تبعید و کوچانیده شدند و یا با پای خویش به سوی مکانی دیگر مهاجرت کردند. ثمره این یورش ها تخریب و تعطیلی کارگاه ها و از بین رفتن نیروی کار و نتیجه آن نابودی چرخه اقتصاد کشور بوده است.

۳-۲. بروز قحطی

هر چند قحطی در بسیاری موارد ناشی از قهر طبیعت است. اما جنگ ها هم در طول تاریخ بستر ساز قحطی شده است و در واقع یکی از پیامدهای جنگ است. در جنگ با از بین رفتن نیروی کار و به دنبال آن کاهش تولید محصولات بروز پیدا می کند و کالاهای اساسی مورد نیاز مردم کاهش می یابد. بالتبع اکثریت جامعه توان تأمین وعده های غذایی روزانه خود را از دست می دهند. از طرف دیگر مدت زمان به نسبت طولانی لشکر کشی های تیمور یعنی ۱۵ سال مجموع هر سه حمله و تأمین آذوقه لشکر که از مناطق مختلف مورد حمله و یا شهرها و روستاهای سراسر راه سپاه تأمین می شد، تاثیر زیادی در ایجاد قحطی داشت. بنا بر روایت کاتب در محاصره چهار ماهه یزد به توسط تیمور، قحطی ایجاد شد. «در اندرون شهر قحط واقع شد و یک من غله به قیمت صد و بیست دینار رسید و قحطی به جایی رسید که خر و اسب و سگ و گربه بخورند.» (کاتب، ۱۳۵۷: ۹۰) در اصفهان نیز تمام آن شهر یک اسب و یک قاطر و الاغ و یک سگ وجود نداشت و سکنه اصفهان تمام جانوران را از فرط گرسنگی خورده بودند. (برایون، ۱۳۷۲: ۱۰۳) شهر دیگری به دلیل حملات تیمور دچار قحطی شد، تبریز بود. بنا بر روایت خوافی در تبریز «در سال ۷۹۰ ه ق قحط و عسرت عظیم واقع شد چنان که صد هزار انسان هلاک شدند.» (خوافی، ۱۳۳۹: ۱۳۰) سمرقندی نیز این قحطی تبریز را انعکاس داده است بنا به روایت سمرقندی در تبریز «یک من نان به سنگ تبریز به ده دینار بغدادی یافت نمی شد.» (سمرقندی، ۱۳۷۲: ۶۰۸/۱) قحطی در مازندران نیز به دنبال حملات تیمور ایجاد شد. بنا بر روایت مرعشی «در مازندران هم عورات پیر و ضعفاء و اطفال به گرسنگی بمردند چون در مازندران یک من غله نماند که کسی تخم کند، و خانه و آدمی نبود، و آنچه بودند از گرسنگی هلاک شده

بودند.» (مرعشی، ۱۳۶۱: ۲۳۷) کلاویخو دلیل این قحطی‌ها را ازدیاد قشون تیمور می‌داند که منجر به کمیاب شدن مواد خوراکی و غذایی می‌شود. (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۸۴)

با این وجود در بعضی از مناطق هم چون سمرقند که به دلیل تجمه بازرگانان و منتقل شدن غنایم جنگی و ثروت به آنجا انواع کالا به وفور یافت می‌شود. بنا بر روایت کلاویخو ارزانی و فراوانی در سمرقند به حدی زیاد بود «گوسفندان آنچنان فراوانند که حتی هنگامی که تیمور با سپاهیان درین حدود هستند، یک جفت گوسفند را در بازار می‌توان بقیمت یک دوکا (در حدود شش شیلینگ) خرید.» (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۸۴)

۳-۳. تخریب شهرها

هر چند حجم تخریب شهرها در حملات تیمور بسیار کمتر از حملات اولیه چنگیز خان مغول است که شهری چون نیشابور را چنان ویران کرد که به کشتزار مبدل شد اما حملات تیمور نیز برج و باروها و قلاع عظیمی را در هم شکست. عدم مقاومت در برابر تیمور و اظهار اطاعت به موقع نسبت به او از جانب حکام ایالات می‌توانست تا حدودی سازه‌های شهری را حفظ کند، همانگونه که در ابتدای حضور تیمور در خراسان و پیش از یورش‌های سه گانه در سرخس، ملک محمد برادر ملک غیاث الدین حاکم آل کرت، «احرام اخلاص بسته، به درگاه عالم‌پناه آمد و به عزّ بساط بوس فایز شده، به انواع نوازش و سیورغامشی شرف اختصاص یافت» (یزدی، ۱۳۸۷: ۴۹۱/۱) و در نتیجه آن سرخش از گزند حملات تیمور و خرابی نجات پیدا کرد. یا هنگام ورود به کوسویه،^۶ در نزدیکی هرات، پهلوان مهدی که حاکم کوسویه بود از تیمور «استقبال نموده، به عزّ بساط بوس سرافراز گشت و اهالی آنجا را از عبور عساکر گردون مآثر ضرری نرسید» (همان: ۴۹۲/۱). با این وجود اظهار سرسپردگی همیشه اسباب نجات منطقه و یا شهر از تخریب نبود. تیمور در محاصره قلعه فوشنج، با وجود اظهار سرسپردگی به قلعه حمله کرد بنا بر روایت یزدی «باز غضب، نصیب اهالی قلعه شد و دست تسلط به غارت و تاراج برآورده، قلعه را از هرچه بود، برداختند و خراب ساختند» (یزدی، ۱۳۸۷: ۴۹۴/۱)

^۶ - کوسویه یا کهسان امروزی از توابع فوشنج باستان می‌باشد. این منطقه در غرب هرات واقع شده و در حال حاضر یکی از شهرستان‌های مشهور هرات به‌شمار می‌رود.

حافظ ابرو به تخریب قلاع به توسط تیمور اشاره کرده و می نویسد «هرجا که حصار و قلعه ی بود به قهر و قسر تا روی زمین پست گردانید». (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۸۱۶/۲) بنا بر روایت ابن عربشاه تیمور منطقه سیستان را تخریب کرد و هر جا بنائی دید، ویران ساخت. (ابن عربشاه، ۱۳۵۶: ۲۷) میرخواند نیز این روایت ابن عربشاه در مورد تخریب سیستان را تایید کرده و می نویسد «هر چه در شهر بود حتی میخهای دیوار به تاراج رفت». (میرخواند، ۱۳۷۳: ۱۰۴۱) تخریب تیمور تنها محدود به سیستان نبود. بنا بر روایت اسفزاری تیمور قلعه ترشیز را نیز ویران کرد و شدت تخریب به حدی بالا بود که دیوار ضخیم قلعه ویران شد. بنا بر روایت اسفزاری. «قلعه ترشیز نیز بزخم رعد سنگ و منجنیق، و اراده بروج و باره درهم شکست، و قلعه سی گز دیوار بسبب نقب بیفتاد» (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۴۲/۲) شدت حملات و تخریب در حمله اول به حدی بالا بود که تیمور علیرغم علاقه به سادات و احترام آنان، قلعه ماهانه سر، محل حضور سادات مرعشی را آتش زدند (مرعشی، ۱۳۶۱: ۲۳۴). در قسمت شمالی ایران، فیروز کوه هم از تخریب و ویرانی در امان نماند. بنا بر روایت کلاویخو تیمور «به هنگام عبور از این حوالی آن حصار را در محاصره گرفت و آنرا ویران ساخت». (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۱۷۹) کلاویخو در طول طی کردن مسیر خود بارها با این چنین فجایعی روبه رو شد، او می نویسد: «زمانی که به آهوان دهکده بزرگی که در کنار رودی قرار گرفته است، رسیدیم دو دژ برای دفاع آن ساخته شده بود که اخیراً هر دوی آنها را ویران ساخته اند». (همان: ۱۸۱) کلاویخو همچنین شاهد خرابی و ویرانی که تیمور در قزوین به بار آورد بوده و می نویسد «سرانجام به شهری رسیدیم که قزوین نام داشت درینجا بیشتر خانه ها روبه ویرانی گذاشته است». (همان: ۳۰۳) میزان تخریب در شهر خوارزم بیشتر از سایر شهرها بود بنا بر روایت یزدی تیمور در پنج مرحله به این شهر هجوم آورد و این شهر را به گونه ای ویران ساخت که در آن جو کاشتند. (یزدی، ۱۳۸۷: ۶۰۰/۱) تیمور در حرکت به سمت غرب ایران، دو شهر بروجرد و خرم آباد را ویران کرد. (شامی، ۱۳۶۳: ۹۹) سمرقندی نیز شدت این تخریب را به تصویر کشیده و می نویسد «خرم آباد را غم آباد نمود». (سمرقندی، ۱۳۷۲: ۵۸۶/۱)

نکته حائز اهمیت آن است که فرستادگان تیمور نیز همچون خود به تخریب شهرها دست می زدند و برای جلب رضایت او هر مسیری را که طی می کردند، به طور کامل به تلی از خاک تبدیل می کردند. یکی از این فرستادگان که مأمور فتح مناطق جنوبی ایران شده بود، امیرزاده، محمد سلطان بود که از شیراز به سمت هرمز

حرکت کرد و چون به حدود هرمز رسید، هفت قلعه را در آن نواحی تسخیر کرده و تخریب نمود. به این ترتیب «قلعه تنگ زندان، قلعه کوشکک، حصار شامیل، هرموز کهنه، قلعه مینا، قلعه منوجان، قلعه ترزک و قلعه تازیان» تخریب شدند. (میرخواند، ۱۳۷۳: ۱۰۷۵/۶)

با وجود این میزان از حجم تخریب توسط تیمور نباید از آباد کردن بعضی مکان ها توسط او نیز غافل شد. برای مثال در دوران تیمور شهر ییلقان^۷ آباد شد. شامی آبادانی شهر ییلقان به توسط تیمور را روایت کرده و می نویسد «در صحرایی چنان بی تهیه اسباب و ادوات بمجرّد التفات عالیه چنان عمارتی عالی و شهرستانی رفیع در مدّت یکماه باتمام رسید عقلا بر آن کامرانی تعجب نمودند و جهان دیدگان بر آن تمکّن و کارفرمایی آفرین خواندند.» (شامی، ۱۳۶۳: ۲۸۹) یزدی نیز به آباد کردن ییلقان اشاره کرده و می نویسد «آری آفرین و احسنت گفتند به ساخت بنایی مشتمل بر سور و خندق و چهار بازار و خانه های بسیار و حمام و خان و ساحه و بستان» (یزدی، ۱۳۸۷: ۱۲۱۹/۲) آباد کردن شهر ییلقان توسط تیمور در مقام مقایسه با حجم تخریبی که او در سایر شهرها و قلاع ایجاد کرد، بسیار ناچیز بود. البته ساخت بعضی اماکن توسط تیمور نیز جنبه امنیتی داشت همانند ساخت عمارت قلعه مبارکه در یزد که در جهت اتفاقات و شورش بود که توسط حاجی آبدار خراسانی روی داد و تیمور در جهت تأمین امنیت حکم داد که قلعه بسازند که داروغه نشین باشد. (کاتب، ۱۳۵۷: ۹۱) پس می توان استنباط نمود که آبادی برخی بلاد در جهت تسهیل حکمرانی و تثبیت حاکمیت تیمور بوده است.

۳-۴. اخذ مالیات

دریافت وجه الضمان یکی از تاکتیکهای سیاسی تیمور بود و عدم پرداخت آن سرآغاز یورش به یک شهر یا دودمان محلی می شد. به طور کلی فاتحان در راستای تأمین منافع، پرداختن مواجب سپاهیان و همچنین تأمین تدارکات جنگی اقدام به اخذ مالیات از سرزمین های مفتوحه می کردند. این عمل معمولاً با اجبار صورت می گرفت و ممالکی که در جمع آوری مالیات کوتاهی می نمودند و یا نسبت به آن معترض می شدند، به سختی مجازات می شدند.

^۷ - ییلقان، یا بیلکان، بیلگان، نام شهر و استانی تاریخی در سرزمین اران می باشد. بنا بر نوشته های جغرافی نویسان سده های نخستین اسلامی ییلقان میان دو رود ارس (رَس) و گر قرار داشته است (ابن خردادبه، ۱۵۰؛ ابن رسته، ۸۹) و با محل برخورد این دو رود چندان فاصله ای نداشته است.

تیمور نیز همچون سایر فاتحان با یورش های خود به سمت ایران به اخذ مالیات از شهرهای مختلف ایران اقدام کرد و گروهی تحت عنوان محصلان مالیاتی، مأمور دریافت مالیات ها بودند. این مالیات ها که تیمور اقدام به اخذ آن از ساکنان شهرهای مختلف می کرد، مالیات خارج از عرف و بدون قاعده و قوانین بود و در واقع نشان دهنده سرسپردگی حاکمان و مردم مناطق مفتوحه بود. تیمور قبل از حمله به هر منطقه و شهری با ارسال نامه های تهدید آمیز خواستار سرسپردگی و همچنین پرداخت مالیات می شد. آن چنان که او بعد از فتح خراسان نامه ای به شاه شجاع، حاکم مظفری شیراز فرستاد و از او خواست که فرمان وی را گردن نهد و باج و خراج دهد. تیمور در نامه خود به حاکم مظفری یادآور می شود که: «... حال اگر جواب موافق گوئی و شیوه اطاعت گزینی ایمنی جوئی و از نعمت سلامت برخوردار شوی و گرنه باید بدانی که سه چیز با رکاب من ملازمست؛ وبا و خشکسالی و ویرانی (ابن عربشاه، ۱۳۵۶: ۳۱) تیمور، افزون بر شاه شجاع نامه هایی به شاه ولی، فرمانروای مازندران و اسکندر جلایی، ارشیوند و ابراهیم قمی فرستاد و خواهان دریافت مالیات شد. (همان: ۳۶) منابع عصر تیموری بخشی از مالیات گیری بی موقع تیمور را در جریان فتوحاتش در ایران به تصویر کشیدند. بنا بر روایت اسفزاری «در هرات مال (امانی) تحمیل کرده بسه روز ستانیدند» (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۴۱/۲) والہ اصفهانی نیز از مالیات گیری تیمور در تبریز را روایت می کند و می نویسد: «... صاحبقران بعد از تسخیر ممالک آذربایجان در حوالی شنب غازان قبة بارگاه به اوج مهر و ماه رسانیده ... بر حسب فرمان، مال امان بر حوالی تبریز حواله رفته به وصول رسید» (والہ اصفهانی، ۱۳۷۹: ۱۴۱) والہ اصفهانی علاوه بر مالیات گیری تیمور در تبریز به مالیات گیری او در گیلان نیز اشاره کرده و می نویسد «همچنین ملوک گیلانات که از رهگذر حصانت و محکمی کوه و جنگل و افزونی آب ولای از دیرباز پشت برکوه نافرمانی پادشاهان والاشان داشتند در این وقت نسبت به صاحبقران والاشان از در اطاعت و اذعان در آمده فرزندان و کسان خود را به درگاه والا فرستادند و به قبول باج و خراج، ابواب امن و امان بر روی خود گشادند.» (همان، ۱۳۷۹: ۱۴۴)

یکی از عوامل اصلی که در اکثر منابع برای قتل عام مردم شهر اصفهان ذکر شده است، همین مسئله اخذ مالیات بود که مردم اصفهان ابتداء حاضر به پرداخت آن شدند اما محصلان مالیاتی تیمور را کشتند. بنا به روایت شامی «امیر ایکو تیمور بقلعه طبرک در آمد و مال امان بر اهل شهر مقرر گردانیدند و امیرزاده تیمور ملک و محمد پسر سلطان شاه بقبض آن شهر رفتند و اکابر اصفهان در آورد و توقف نمودند چون شب درآمد جماعتی از اوباش و

ارذال بتسویل نفس شیطانی خروج کردند و از عاقبت کار اندیشه ناکرده محصلان را کشتند و بسیاری از لشکری که در شهر به مهمات خود مشغول بودند بدین سبب بقتل آمدند» (شامی، ۱۳۶۳: ۱۰۴) اما علت این درگیری و کشته شدن محصلان مالیاتی تیمور این بود که محصلان مالیاتی بر مردم سخت گرفتند و معترض اهل و عیال ایشان شدند. (میرخواند، ۱۳۷۳: ۱۰۴۸/۶) تیمور به قصاص کشتار محصلان مالیاتی، مردم اصفهان را قتل عام نمود. بنابراین مبنای این قتل عام (هفتاد هزار نفر) و ساخت کله مناره ها، اخذ وجوه مالیاتی بود.

تیمور با کشتار مردم اصفهان درصدد بود به دیگر حکمرانان محلی و مردم دیگر شهرها مناطق مختلف ایران نشان دهد که تمرد نسبت به پرداخت مالیات چه تاوانی دارد. این سیاست تیمور جواب داد و مردم و حکمرانان در دیگر مناطق برای جلوگیری از چنین حوادثی که در اصفهان روی داده بود، تسلیم اوامر ماموران مالیاتی تیمور شدند. در شیراز «تمام اصول و کلاتران و کلویان به احراز سعادت زمین بوس شتافتند و بعد از اقامت رسم خاکبوسی، یک هزار تومان کپکی قبول کردند که به خزانه امانی فرود آورند» (یزدی، ۱۳۸۷: ۵۹۰/۱) سادات مرعشی هر چند در ابتدا با تیمور مخالفت ورزیدند اما پس از اطلاع از توان نظامی تیمور و سربازان او، اظهار ندامت نمودند و مالیات پرداخت کردند بنا بر روایت شامی. «در روز سوم سید کمال الدین و مولانا عماد الدین بحضرت آمدند و امان طلبیدند فرمود که ملتمس شما مبذول می دارم اما مشروط بدان که هریک از بزرگان و مهتران این ولایت فرزندان خود را با مال چند ساله پیش ما فرستند و چون فرزندان ایشان در کوچها با ما باشند پدران ایشانرا امان دهیم» (شامی، ۱۳۶۳: ۱۲۷).

تهدید تیمور و اعمال خشونت او باعث شد تا در شهر گیلان، سید رضا کیا و امیر محمد رشتی، دو تن از ملوک گیلان، به همراه نمایندگان اعزامی و سرداران گیلان به دربار امیر تیمور رفتند و به پرداخت باج و خراج متعهد شدند. خراج سالیانه ای که سلاطین کیا به پرداخت آنها تعهد داده بودند، ده هزار من ابریشم (بنا بر وزن معمول شهر ۱۵۰۰۰ من)، هفت هزار رأس اسب و سه هزار رأس گاو بود. اما تیمور رضایت داد نصف سهمیه سید رضی کیا و امیر محمد رشتی و ثلث سهمیه رؤسا کاسته شود. (شریعتی فوکلائی، ۱۳۸۸: ۱۰۵) نکته حائز اهمیت آن است که تیمور در اینجا تخفیف و بخشش مالیاتی برای سادات آل کیا قائل می شود و به نوعی احترام به سادات را دوباره به نمایش می گذارد، چرا که بعد از سخت گیری نسبت به سادات مرعشی برای تحریف اذهان عمومی نسبت به خود، ضروری می نمود که اینچنین اقدامی را انجام دهد. بنابراین با زیرکی تمام به سادات گیلان تخفیف مالیاتی می دهد)

لمب، ۱۳۸۹: ۱۵۳). در تبریز هم میرانشاه راه پدرش تیمور را در پیش گرفته بود و برای خوشگذرانی های خود و هزینه های جانبی روی به گرفتن مالیات آورده بود و در سال ۸۰۷ ق عمر میرزا دستور داد نایش، بیان قوچین و شیخ خسروشاهی به تبریز بروند. آنان در عرض دو روز از اهالی، دویست تومان پول نقد طلب کردند. (عون الهی، ۱۳۸۷: ۱۱۷) این مالیات گرفتن ها که معمولاً بدون موقع و از پیش تعیین شده نبود لطمات شدید اقتصادی به مردم مناطق مختلف ایران وارد کرد و به فقیر شدن مردم و تخریب هر چه بیشتر شهرها و روستاها انجامید.

۳-۵. لطمه به کشاورزی و محیط زیست

. در اقتصاد پیشاصنعتی، کشاورزی از منابع اصلی ثروت به شمار می آمد و ایرانیان نیز از دیرباز به امر کشاورزی و تأمین آب مورد نیاز از طریق حفر قنات می پرداختند و مناطق بایر موجود در فلات ایران را آباد می کردند. با حمله تیمور با آن حجم از سپاه و عبور و مرور احشام همراه او و همچنین جابه جایی ها برای سرکوب معترضان و تأمین خوراک قشون و علوفه چهارپایان، کشاورزی و محیط زیست به شدت در معرض آسیب قرار می گرفت. آن چنان که در تزوکات تیموری هم ذکر شده «سپاه را حاضر نگاه داشتم و علوفه ایشان را پیش از طلب میدادم چنانچه در یساق روم هفت ساله علوفه از گذشته و آینده به سپاه دادم.» (ترتبی، ۱۳۴۲: ۲۰۸) با توجه به این روایت تزوکات تیموری می توان حدس زد که هزینه این علوفه ها و تأمین آن با این حجم که حتی آینده پیش روی سپاه و زمان طولانی شدن جنگ را هم مد نظر قرار می داد. چه لطمات زیانباری حیطه ی کشاورزی و محیط زیست وارد می کرد. بالتبع تدارک این حجم زیاد از محصولات کشاورزی، فشارهایی را بر کشاورز وارد می کرده است که باید محصول خود را بدون اعتراض تقدیم تیمور و ماموران وی می کردند. تیمور خود معترف است که آذوقه قشون خود و علیق چهارپایان و آذوقه روستائیان و نجاران را با چپاول بدست می آورد. (برایون، ۱۳۷۲: ۵۳). کاملاً واضح است که پیامد و نتیجه اینچنین اقدامات و فشارهایی که ماموران تیمور بر روستائیان و کشاورزان وارد می نمودند، رها نمودن زمین و ترک کشت و کشاورزی بوده است. اما لطمات تیمور به حوزه کشاورزی و محیط زیست صرفاً محدود به تأمین آذوقه سپاه نبود. بنا بر روایت ابن عربشاه در زمان یورش تیمور به شهر سیستان «به هر گوشه درخت و گیاهی یافت از ریشه برانداخت در تنی توانی و از چیزی نشانی بر جای نگذاشت.» (ابن عربشاه، ۱۳۵۶: ۲۷)

یزدی نیز روایت ابن عربشاه در باب تخریب تیمور در حوزه کشاورزی در سیستان را تایید کرده و می نویسد «و چون لب آب هیرمند مضرب خیام نزول همایون گشت، از زلزله جوش سپاه تسلط نشان و آسیب صدمه استیلا و تخریب ایشان لرزه بر بند رستم افتاد، چنانچه مفاصلش از هم برآمد و آن را نیز خراب کرده از آن اثر هم اثری نماند.» (یزدی، ۱۳۸۷: ۵۴۰/۱) در واقع تخریب بند رستم یکی از نتایج منفی حضور سربازان و تاختن اسبهای آنها بود.

غیر از سیستان، حملات تیمور در سایر مناطق ایران نیز آسیب هایی به محیط زیست وارد کرد. در واقع تیمور و سپاهیان دست به سوزاندن کشت ها و خرابی باغات و قنوات و بندها می زدند. آنها جنگل ها و درختان را قطع می کردند تا راه بسازند و از چوب آن ها برای ساخت منجنیق و پل های متحرک که یکی از روش های تیمور برای فتح قلعه ها بود، استفاده کنند. بنا بر روایت میرخواند تیمور در شاسمان^۸ در حوالی گرگان دستور داد تا بر روی جویها و رودخانه پل بسازند و درختان بیشه را قطع کنند و راه بسازند. (میرخواند، ۱۳۷۳: ۱۰۴۲/۶) و همین راه های عبوری برای رسیدن به تسخیر قلاع منجر به از بین بردن محیط زیست و جنگل ها می شد. میرخواند در جای دیگر روایت می کند که سپاهیان تیمور به هنگام تعقیب اسکندر شیخی در چلاو که دره ای عمیق و پر درخت بود، به بالای کوه جهنم دره برآمدند و جنگلها را بریده راه ساختند. (همان: ۱۱۱۷/۶) جنگل های شمالی و هیرکانی در معرض مداوم قطع و راه ساختن برای عبور و مرور سپاه تیمور بود بنا بر روایت نطنزی لشکریان تیمور روزانه به طول یک فرسخ از درختان جنگل های هیرکانی را برای ایجاد راه قطع می کردند. (نطنزی، ۱۳۳۶: ۳۲۶) بنا بر روایت حافظ ابرو «در آمل دیه های پرغله و اجناس و چهارپایان فربه بودند مرقه و آسوده شدند چون روی به ماهانه سر (از قلاع خاندان مرعشی. ابن اسفندیار) نهادند. حکم شد که هر جنگل و بیشه که پیش می آید درختها را از بیخ برکنند خار و خاشاک و چوب بر آن لایها می اندازند تا راه چنان می شود که سوار بتواند گذشت.» (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۷۴۶/۲) در زمان قتل عام مردم اصفهان نیز تیمور دستوراتی مبتنی بر نابودی آبادیها و سوزاندن کشتزارها صادر نمود. (ابن عربشاه، ۱۳۵۶: ۴۹). سپاه تیمور به چگونگی گردآوری علوفه ها و تحمیل خسارت به کشاورزان هیچ توجهی نمی کرد و از همه منابع طبیعی در راستای تحقق اهداف سیاسی نظامی خویش بهره می بردند. رنه گروسه مورخ فرانسوی پیامدهای زیانبار حملات تیمور به کشاورزی و محیط زیست را این گونه تصویر می کشد: «اما این بیابان گردان

^۸ - شاسمان نام روستایی در نزدیکی گرگان و استراباد است.

رسیدند و درخت را کردند بساتین را خشکاندند. مختصر آبی را که بود بیاتلاقها روانه نمودند و اراضی قابل درختکاری را بصحرا مبدل ساختند». (گروسه، ۱۳۶۵: ۷۰۵)

تیمور و سپاهیان‌ش علاوه بر قطع درختان و تخریب جنگل‌ها با شکارهای بی رویه خود نیز حیات وحش و زندگی حیوانات را به خطر انداختند. شکار جزء تفریح‌های تیمور و فرزندانش بود. بنا بر روایت سمرقندی «حضرت صاحب قران دوم شعبان در آن بیابان بی پایان میل شکار نموده و بعد از دو سه روز جرگه به هم رسیده آهوی سفید و قوچ و میش کوهی و گوزن بسیار گرفتار شد.» (سمرقندی، ۱۳۷۲: ۶۹۹/۱) و در یکی از همین شکار حیوانات بود که فرزند تیمور، میرانشاه قوچ کوهی را زنده گرفته بود «به قرپوس زین رسانید و صید طپیده و اسب رمیده آن شهبسوار شیر شکار را ز پشت زین بسر و گردن بر روی زمین افتاد» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴۸۱/۳)

نتیجه گیری:

جنگ‌ها و حملات همواره با خود ویرانی، تخریب و پیامدهای منفی به دنبال دارند. حملات سه گانه تیمور به ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. تیمور در حملات خود به مناطق و شهرهای مختلف نیروی جوان و جنگی را

قتل عام و از این طریق نیروی کار را در بیشتر مناطقی که مورد حمله او قرار گرفت، از بین رفت. بدون تردید از بین رفتن نیروی کار ضربه مهلکی بر پیکره اقتصادی این مناطق بود. علاوه بر آن حملات سه گانه تیمور به فاصله بسیار کمی از هم به قوع پیوست و در تامین علوفه اسبان، تغذیه سربازان جنگی و تامین حقوق آنها که از مناطق تحت تصرف و حمله وصول می شد، باعث لطمه به کشاورزی و محیط زیست مناطق تحت حمله شد چرا تامین این میزان علوفه و تغذیه از توان این مناطق خارج بود و به قحطی در این مناطق منجر شد.

فارق از پیامدهای منفی فوق الذکر تیمور در حمله در طی سه حمله خود به ایران در بعضی از شهر و مناطق با مقاومت اهالی آن منطقه روبه رو می شد لذا دستور تخریب آن شهر و قلعه را صادر می کرد. هر چند هدف تیمور از تخریب قلعه ها بیشتر مسائل نظامی بود. در واقع تیمور با تخریب قلعه ها امکان هر گونه تهدید برای آینده را از بین می برد. هر چند پیرامون تخریب، ویرانی و پیامدهای حملات تیمور به ایران به نسبت حمله چنگیز در منابع تاریخی کمتر روایت شده است اما بررسی ها نشان می دهد که حملات تیمور نیز دست کمی از حمله مغولان و چنگیز نداشت. چرا که حمله چنگیز یک مرحله و دامنه تخریب بیشتر محدود به منطقه خراسان و ماورالنهر بود اما حملات تیمور در سه مرحله صورت گرفت و بیشتر مناطق و شهرهای ایران در شرق و غرب از گزند تخریب و ویرانی در امان نماند.

سیاست و راهبردهای تیمور گورکان در کشور گشایی و مملکت داری، یک دوره جنگ و تخریب و در پی آن ایجاد امنیت و رونق تجارت بود. او با کشتارهای دسته جمعی و با ویران نمودن قلاع، شهرها و سایر تاسیسات شهری آن زمان و همینطور با از بین بردن کشتزارها و منابع آبی، باعث شد تا همه تعداد قابل توجهی از جمعیت فعال ایران در عرصه های مختلف اقتصادی از بین بروند و هم باعث کوچ صنعتگران گردید مخروبه کردن شهرها و تحمیل وجه الضمانها و مالیات های سخت و ایجاد قحطی ضربات سنگینی به اقتصاد کشاورزی محور فلات ایران زمین وارد کرد

منابع:

ابن عربشاه، زندگی شگفت آور تیمور، ترجمه محمد علی نجاتی، ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۶ ه.ش.

آژند، یعقوب، تاریخ ایران : دوره تیموریان، جامی، تهران - ایران، ۱۳۷۹ ه.ش.

اسفزاری، معین الدین محمد، روضات الجنات فی أوصاف مدینة هرات، جلد: ۲، دانشگاه تهران، تهران - ایران، ۱۳۳۸ ه.ش.

برایون، مارسل، منم تیمور جهانگشا سرگذشت تیمور لنگ به قلم خود او، ترجمه و اقتباس ذبیح الله منصوری، چ ۱۴، مستوفی، ۱۳۷۲ ه.ش.

تربتی، ابوطالب حسینی، تزوکات تیموری، ترجمه فارسی با ترجمه انگلیسی آن از روی چاپ ۱۷۷۳ شهر آسفر و بطریق افست نقل شد به اهتمام کتابفروشی اسدی، تهران، ۱۳۴۲ ه.ش.

حافظ ابرو، زبده التواریخ، مقدمه و تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج سید جوادی، جلد: ۱ و ۲، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ه.ش.

خوافی، فصیح احمد بن جلال الدین محمد، مجمل فصیحی، جلد: ۳، به تصحیح و تحشیه محمود فرخ، باستان مشهد، طوس - مشهد، ۱۳۳۹ ه.ش.

خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، با مقدمه جلال الدین همایی، جلد: ۳، چ ۴، خیام، ۱۳۸۰ ه.ش.

راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، جلد: ۲، امیر کبیر، تهران - ایران، ۱۳۵۴ ه.ش.

زرین کوب، عبدالحسین، روزگاران تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، چ ۷، سخن، ۱۳۸۴ ه.ش.

سمرقندی، دولتشاه، تذکره الشعراء، به اهتمام و تصحیح ادوارد براون، اساطیر، تهران - ایران، ۱۳۸۲ ه.ش.

شریعتی فوکلائی، حسن، حکومت شیعی آل کیا در گیلان، شیعه شناسی، قم - ایران، ۱۳۸۸ ه.ش.

عبدالرزاق سمرقندی، عبدالرزاق بن اسحاق، مطلع سعدین و مجمع بحرین، جلد: ۱، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران - ایران، ۱۳۷۲ ه.ش.

علی یزدی، غیاث الدین، سعادت نامه یا روزنامه غزوات هندوستان، به کوشش ایرج افشار، چ ۱، میراث مکتوب، ۱۳۷۹ ه.ش.

عون الهی، سید آقا، تاریخ پانصد ساله تبریز از آغاز دوره مغولان تا پایان دوره صفویان، امیر کبیر، تهران - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش.

- قزوینی، یحیی بن عبداللطیف، لب التواریخ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران - ایران، ۱۳۸۶ ه.ش.
- کاتب، احمد بن حسین بن علی، تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، چ ۲، امیرکبیر، ۱۳۵۷ ه.ش.
- کلاویخو، گنزالس، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، چ ۲، ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۴ ه.ش.
- گروسه، رنه، امپراطوری صحرا نوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، چ ۲، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ ه.ش.
- لمب، هارولد، تیمور لنگ فاتح جهان، ترجمه علی جواهر کلام، چ ۱، نیلوفرانه، قم، ۱۳۸۹ ه.ش.
- مرعشی، ظهیرالدین بن نصیرالدین، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، مؤسسه مطبوعاتی شرق، تهران - ایران، ۱۳۶۱ ه.ش.
- معطوفی، اسدالله، گرگان و استرآباد سنگ مزارها و کتیبه های تاریخی (نگاهی به معماری آرامگاهی و شیوه های تدفین در ایران و گرگان)، حروفیه، تهران - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش.
- ملکم، جان، تاریخ کامل ایران، جلد: ۱، افسون، تهران - ایران، ۱۳۸۰ ه.ش.
- میرخواند، محمد بن خاوند شاه بلخی، روضه الصفا، تهذیب و تلخیص عباس زریاب خویی، جلد: ۶، علمی، تهران - ایران ۱۳۷۳ ه.ش.
- نطنزی، معین الدین، منتخب التواریخ معینی، به تصحیح ژان اوین، خیام، تهران، ۱۳۳۶ ه.ش.
- نظام الدین شامی، ظفر نامه / شامی، بامداد، تهران - ایران، ۱۳۶۳ ه.ش.
- واله اصفهانی، محمد یوسف، روضه های ششم و هفتم از خلد برین (تاریخ تیموریان و ترکمانان)، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران - ایران، ۱۳۷۹ ه.ش.
- یزدی، شرف الدین علی، ظفر نامه / یزدی، جلد: ۱/۲ مجلس شورای اسلامی. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد، تهران - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش.